

The Most Valuable Roles in the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Hassan Jaberi Fard ¹,
Abdulhamid Farzaneh ^{2*},
Alireza Mokhtari ³

How to cite this article

Hassan Jaberi Fard, Abdulhamid Farzaneh, Alireza Mokhtari, The Most Valuable Roles in the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Holy Quran, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(1): 73-162.

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Fasa Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Fasa Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Fasa Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: farzaneh2139@gmail.com

Article History

Received: 2022/01/07
Accepted: 2022/02/26

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to investigate the role of "most" values in the Islamic lifestyle from the perspective of the Holy Quran.

Materials and Methods: In this study, by selecting the verses containing the "most", by descriptive and analytical methods, the meanings and concepts of the relevant verses and its impact on lifestyle, using the relevant interpretations and books, has been studied.

Findings: The virtue of God's word over other words is like the superiority of God over His other creatures. God has done all His work in the best way. "The best thing is the creation." His ruling is the best ruling and he has asked us to do our job well, because human life is limited and there are many perfectionist orders, the choice of the "best" must be forced.

Conclusion: Using the most "positive" Qur'anic verses, including; The most knowledgeable, the most pious, the most honest, etc., along with their examples, dimensions and effects, play an important role in the lifestyle, strength and durability of the individual and society, and in creating health and social security.

Keywords: Quran, Lifestyle, the Most Righteous, the Most Honest, the Most Popular, the Most Faithful.

نقش «ترین» های ارزشی در سبک زندگی اسلامی از

نگاه قرآن کریم

حسن جابری فرد^۱دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث،
واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران..عبدالحمید فرزانه^{۲*}استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق
اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده
مسئول).علیرضا مختاری^۳استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث،
واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران..

چکیده

هدف: هدف تحقیق حاضر بررسی نقش «ترین» های ارزشی در سبک
زندگی اسلامی از نگاه قرآن کریم می باشد.مواد و روش‌ها: در این پژوهش، با انتخاب آیات دربردارنده
«ترین» ها، با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و تحلیل معانی و
مفاهیم آیات مربوطه و تاثیر آن در سبک زندگی، با استفاده از
تفسیر و کتب مربوطه، پرداخته است.یافته‌ها: فضیلت کلام خدا بر سایر گفتارها بسان برتری پروردگار
بر سایر مخلوقاتش است. خداوند تمام کارهای خود را به بهترین
وجه انجام داده است. «أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ». حکم او بهترین حکم
است و از ما خواسته است کارمان به نحو احسن باشد، چون عمر
انسان محدود و دستورات کمال بخش بسیار است، قهراً باید انتخاب
«بهترین» ها در کار باشد.نتیجه‌گیری: استفاده از «ترین» های مثبت قرآنی از جمله؛ عالم ترین،
باتقواترین، راستگوترین و ... همراه با مصادیق و ابعاد و آثار آنها در
سبک زندگی و استحکام و دوام فرد و جامعه و ایجاد سلامت و
امنیت اجتماعی نقش بسزایی دارد.کلید واژه: قرآن، سبک زندگی، باتقواترین، صادق ترین، محبوب
ترین، باوفاترین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

*نویسنده مسئول: farzaneh2139@gmail.com

مقدمه

واژه «سبک زندگی» مقسمی است برای اقسام و انواع سبک‌های
مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت، مانند سبک زندگی
اسلامی، غربی، شرقی و یا سبک زندگی در روانشناسی، جامعه‌شناسی
و... در مجموع آنچه از مفهوم سبک زندگی معمولاً در نوشتار،
گفتار، رسانه‌ها و به ویژه در فضای مجازی و اینترنت به تصویر
کشیده می‌شود، بیشتر ناظر به همان جلوه‌های بیرونی و خارجی
حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و
مفاهیمی از این قبیل می‌باشد. «سازمان بهداشت جهانی» سبک
زندگی را این گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش
زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد
و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات
فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و
دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده
است.» مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی است
که اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ اما کاربردهای
متفاوت و بعضاً متعارض، آن را مفهومی مبهم و از دیدگاه پاره ای
محققان غیر قابل استفاده کرده است (۱)

تحقیق و گفتگو درباره سبک زندگی اسلامی در عرصه‌ی حیات
فردی و اجتماعی از مباحث ضروری جامعه ما است. ما معتقدیم دین
و اخلاق برای همه‌ی شئون زندگی انسان برنامه کاربردی و مشخص
دارد. به همین دلیل در معارف اسلامی آموزه‌های فراوانی در این
خصوص مطرح شده است. انسان علاوه بر اینکه مدنی بالطبع است،
از معاشرت با دیگران نیز بهره‌های فراوانی می‌برد و ادامه حیات
او نیز مرهون زیست اجتماعی است، اکثر «ترین» های قرآنی نیز
در سایه‌ی حیات اجتماعی محقق می‌شود. موضوع سبک زندگی
اسلامی به عنوان بخش اصلی تمدن نوین اسلامی در سال‌های اخیر
مورد توجه اصحاب فرهنگ و تمدن و علما و دانشمندان قرار گرفته
است.

تلقی درست و فهم صحیح از سبک زندگی اسلامی در حوزه «ترین»
های قرآنی می‌تواند ما را در برداشتن، گام‌های بعدی که تبیین و
ترویج و تحقق آن می‌باشد یاری نماید، و غفلت از سبک زندگی
اسلامی خسارت‌های جبران ناپذیری بر پیکره‌ی جامعه وارد می
کند. دلیلش این است؛ انسان‌ها زمانی که قادر نباشند میان روش
زندگی خود و ارزش‌ها و باورهای خود ارتباط برقرار کنند بعد از
مدتی ممکن است به علت ناکارآمد بودن دست از اعتقادات خود
بردارند.

سؤال‌های تحقیق

۱. «ترین» های مثبت در آموزه‌های قرآنی چه جایگاه و نقشی در
تبیین سبک زندگی اسلامی دارند؟
۲. روش‌های قرآن در تبیین «ترین» های چگونه است؟
۳. «ترین» های اعتقادی در قرآن چه تاثیری در رفتار پیروان خود
دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. از آنجا که بیان «ترین» های مثبت در قرآن کریم از قدرت

این فرصت را در اختیار ما می‌گذارد تا نگرش خود را نسبت به مبدأ و مقصد، جهان هستی (شامل باورها، ارزشها، نگرشها و گرایشها) را اصلاح کنیم. تبعیت از سبک زندگی براساس مبانی اخلاقی، در همدفندسازی زندگی انسان بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

بهترین توشه (تقوا)

یکی از بهترین «ترین» های قرآنی که لازمه‌ی سبک زندگی اسلامی می‌باشد، تقوا است؛ زیرا از دیدگاه قرآن «تقوا» هم بهترین توشه است «ان خیر الزاد التقوی» و هم بهترین پوشش «لباس تقوا ذلک خیر» و هم این که گرامی‌ترین افراد در نزد خدا با تقواترین آنهاست «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» بر همین اساس امام علی علیه السلام که خود تربیت شده مکتب قرآن است تقوا را کلید، گشایش هر در بسته ای می‌داند. از منظر نهج البلاغه تقوا حفاظ و پناهگاه است نه زنجیر و زندان، از دیدگاه حضرت علی (ع) تقوا تنها پرهیز و محدودیت نیست، بلکه واکسینه کردن و مصونیت است. «اعلموا عبادالله ان التقوی دار حصن و الفجور دار حصن ذلیل...» (نهج البلاغه، ۱۵۷) امام علی (ع) در بیان ثورانی، گناهان را به گزندگانی تشبیه می‌کند که به انسان‌ها آسیب می‌رسانند و تقوا را نوشداری می‌داند که نیش این گزندگان را قطع و زهر آنها را خنثی می‌کند و اعلام می‌دارد که تقوا نه تنها قید و بند و مانع آزادی نیست بلکه منبع و منشأ اصلی همه آزادی‌ها است «فان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد (نهج البلاغه ۲۳۰)» و از نظر شهید مرتضی مطهری میان انسان و تقوا، تعهد متقابل وجود دارد، تقوا نگرهبان انسان است و انسان نیز نگرهبان تقوا، و این دور محال نیست بلکه دور جایز است. قرآن از تقوا به لباس تعبیر کرده (لباس التقوی ذلک خیر) قرآن ضمن توصیه خواص به حق تقوا «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقواته و لا تموتن ائالا و انتم مسلمون» (آل عمران/ ۱۰۲) یعنی بالاترین درجه تقوا که همان اطاعت محض در برابر فرامین و دستورات الهی است، عوام را نیز به تقوا در حد استطاعت که همان پایین‌ترین درجه تقوا است «فأتقوا الله ما استطعتم...» (تغابن/ ۱۶) توصیه کرده، و در پایان بزرگترین آیه قرآن به دلیل اهمیت و منزلت بالای تقوا و جایگاه خطیر آن در حیات بشری و تأثیر مثبت و بسیار سازنده آن در نوع نگاه انسان‌ها، به زندگی مادی و معنوی و نقش بازدارندگی آن حق مطلب را ادا کرده و خود را معلم و آموزگار متقیان دانسته و می‌فرماید «... و اتقوا الله و یعلمکم الله و الله بکل شیء علیم» (بقره/ ۲۸۲)

داناترین

در مبحث اعتقادات یکی از موثرترین «ترین» های قرآنی بحث «اعلم» بودن خداوند است، خدای سبحان هم به ذات خود و هم به تمامی موجودات قبل از آفرینش و بعد از آفرینش آنها عالم است و این اعلامیت ازلی و ابدی و ظاهری و باطنی (یعلم خائنه الاعین و ما تخفی الصدور) و مصون از هرگونه خطا و اشتباه و خارج از حصار زمین و زمان است.

به فرموده امام علی (ع) خداوند از مکان ریزش برگ‌ها و حرکات مخفیانه چشمها آگاه است. (نهج البلاغه، ۱۸۷) از لحاظ فلسفه نیز هر موجودی ممکن الوجود است و هر ممکن الوجودی به واجب

انگیزشی بالا و تأثیر گذاری عمیق بر اندیشه مخاطبان برخوردار است، جایگاه و نقش بسیار مهمی در تبیین و سامان دهی سبک زندگی اسلامی خواهد داشت.

۲. روش قرآن در تبیین «ترین» ها بدین صورت است که بعد از ذکر عنوان، مثبت «ترین» ها، به تبیین مصادیق آن می‌پردازد و در برخی موارد به صورت کوتاه و در برخی آیات دیگر به صورت مفصل کار کرد و آثار آنها را بیان می‌کند.

۳. ترین‌های اعتقادی که الگو برداری از خداوند متعال می‌باشد، تأثیر مثبتی در رفتار و گفتار پیروان واقعی خود دارد. چون که هر محبی دوست دارد همچون محبوب خود در برخی صفات شود.

پیشینه

فعال (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان نسبت سنجی سبک زندگی از جمله با دانش اخلاق و مفاهیم ارزشی انجام داد. مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم جدیدی است که در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی به کار رفته است. سبک زندگی ناظر به رفتار انسان‌ها است. امروزه دو رویکرد کلی در ارتباط با سبک زندگی وجود دارد؛ رویکرد جامعه‌شناسانه که بیشتر تحت تأثیر ماکس وبر است و نیز رویکرد روانشناسانه که متأثر از آدلر می‌باشد. تأکید بر عنصر رفتار در در مفهوم سبک زندگی، عنصر مشترک هر دو رویکرد می‌باشد. سبک زندگی یا نحوه زیستن به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار اطلاق می‌گردد که از بینشها و ارزش‌های آدمیان متأثر بوده در رفتار به صورت عینی متجلی می‌شود. سبک زندگی اسلامی را می‌توان به مثابه دانشی مستقل در نظر گرفت که با دانش اخلاق و نیز مفاهیم ارزشی نسبت‌ها را می‌توان به دو صورت تمایزها و اشتراک‌ها در نظر گرفت.

توجه به سبک زندگی، به نوعی به درازای تاریخ بشریت بر می‌گردد حتی بدون نگارش کتابی در این زمینه؛ زیرا که انسان‌ها در زندگی با توجه به شرایط زمانی و مکانی خود، یک نوع از سبک زندگی را از اندیشه خود یا الگو برداری از طبیعت یا زندگی حیوانات انتخاب کرده و ادامه داده است.

با مبعوث شدن پیامبران علیهم السلام، و پیشرفت علوم و افزایش روابط انسان‌ها با یکدیگر، سبک زندگی‌ها متأثر از آن مولفه‌ها تغییر کرد. پیامبران، طلیعه‌داران سبک زندگی دینی- الهی بوده‌اند. آخرین دین خدا- اسلام- که به نوعی اولین دانشگاه آموزش سبک زندگی می‌باشد، توسط آخرین پیامبر الهی- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - به مردم معرفی شد و خود ایشان، بهترین سبک زندگی را در عمل به اجرا در آورد و بعد از ایشان، ائمه اطهار علیهم السلام راه مستقیم آن را ادامه دادند. با گفتار و رفتار خود بهترین سبک زندگی اسلامی را معرفی و اجرا کردند.

حسینی میرصفی (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان سبک زندگی و مبنای ارزش شناسی اخلاق انجام داد. آگاهی از سبک زندگی و زیر ساخت‌های آن یکی از مباحث مهم در راستای معناداری زندگی می‌باشد. بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، اخلاق یکی از ارکان اصلی شکل گیری هویت جوامع بشری است و این مهم و انتخاب آن در سبک زندگی انسان‌ها بسیار موثر است. سبک زندگی اسلامی

قیامت را وقف راستگویان و راست کرداران می‌داند و همه‌ی مؤمنان را به همراهی با صادقان توصیه می‌کند. «... کونوا مع الصادقین» (توبه/۱۱۹)) یعنی اگر می‌خواهید راه پر پیچ و خم تقوا را بدون انحراف و اشتباه طی کنید باید همگام و همراه با صادقان باشید: (۳) پیامبر اسلام (ص) بهشت را برای کسانی که چهار خصلت داشته باشند ضمانت نموده که اولین آنها صداقت و راستگویی است (۴)

اطاعت آن نیست که برخاک نهی پیشانی
صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

ارزشمندی صداقت تا بدان جاست که خدای سبحان، صادقان را در کنار نعمت داده شده‌ها یعنی پیامبران، شهیدان و صالحان قرار داده و می‌فرماید «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رِجَالًا» (نسا/۶۹) و باید دانست که ثمره‌ی صدق و راستی در زندگی خشنودی متقابل است، که میان خدا و خاصان در گاهش وجود دارد و نعمتی است که هیچ نعمتی به پای آن نمی‌رسد و موهبتی است که فقط نصیب راستگویان می‌گردد.

محبوب‌ترین

روح وجوه‌ی دین چیزی جز، محبت نیست «هل الدین الا الحُب» . محبت به خدا بسان اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی اعطا می‌کند. قلب انسان حرم خداست اگر انسان دل به خدا یعنی سرچشمه کمالات و زیبایی‌ها بسپارد، و قلبش را جایگاه او کند زندگی‌اش رنگ و بوی خدایی می‌گیرد، بر همین اساس قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان را محبت شدید آنها به خدا می‌داند «... وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (بقره/۱۶۵) از دیدگاه امام علی (ع) محبت الهی آبی است که هر چیزی را حیات می‌بخشد و زمینی است که هر چیزی در آن می‌روید.

معیار واقعی انسان نیز به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد و از همین منظر است که نبی مکرم اسلام فرمودند: «هر کس در قیامت بامحوب خود محشور می‌شود». (۳) عشق و محبت الهی اکسیری است که دانایان و آشنایان راه، از آن با عنوان ریز و رمز یاد کرده‌اند:

این نکته‌ی رمز اگر بدانی، دانی
هر چیز که در جستجوی آنی، آنی

قرآن نیز از مؤمنان می‌خواهد که خدا و رسولش را نه تنها از بستگان خود بلکه از جان خودشان نیز بیشتر دوست بدارند «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه/۲۴) طبق منابع دینی ذکر خدا و عمل به دستورات خدا و پیامبر (ص) از نشانه‌های محبت واقعی است و شرط اصلی دوستی و محبت الهی تبعیت و اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وآله از نشانه‌های محبت واقعی است و شرط اصلی محبت الهی تبعیت از پیامبر (ص) است. (آل عمران/۳۱) براساس این آیه محبت خدا مستلزم پیروی از پیامبر (ص) است و مدعیانی که از خدا و رسولش پیروی نکنند، بهره‌ای از محبت الهی ندارند و این پاسخی

الوجود یعنی خداوند متکی است. خداوند به هر ممکنی عالم و این ممکن اعم از کلی و جزئی است. بنابراین هیچ موجودی از شمول دایره علم الهی خارج نیست، تا آنجا که قرآن حتی سقوط برگها و قرار گرفتن دانه در تاریکی‌های زمین را وابسته به علم لایزال الهی می‌داند «... وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتٍ الْأَرْضِ...» (انعام/۵۹) بهترین معرفت در این خصوص کلام الهی است؛ چون اگر بخواهیم از علم الهی سخن بگویم باید زمام سخن را به دست صاحب سخن بدهیم تا خود را به ما معرفی کند. او در نقطه اوج قرآن یعنی آیه‌الکرسی محور اتکا و تکیه گاه اصلی را علم می‌داند و می‌فرماید «... يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ...» (بقره/۲۵۵) و از همین منظر است که امام باقر (ع) علم خداوند به همه هستی را قبل از خلقت موجودات مانند علم او به موجودات بعد از خلقت می‌داند. (۲)

اعلم بودن خداوند جهان و انسان، شوق به سوی عمل صالح در انسان ایجاد کرده و باعث می‌شود، که انسان همواره خود را در محضر خدایی ببیند که احاطه علمی‌اش فراتر از پهنای آسمانها و زمین است. «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (بقره/۲۵۵) اعلمیت خداوند نقش بازدارنده در زندگی انسان و نوع نگرش و بینش او نسبت به جهان ایفا می‌کند و این مسأله تا بدانجا اهمیت دارد که قرآن خوف و خشیت الهی را مختص بندگان عالم دانسته و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر/۲۸) این بندگی توأم با آگاهی چنان تاثیر تحول در انسان ایجاد می‌کند که منجر به حیات طیبه می‌گردد تا آنجا که هر لحظه خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود می‌بیند که «الم يعلم بان الله یری».

نکته حائز اهمیت این که خداوند سبحان هم در بزرگترین آیه (دین) و هم «آیت الکرسی» از علم سخن گفته، و حتی ملاک رسالت امت و انتخاب اولیائش را بر اساس علم دانسته؛ «اللَّهُ اعلم حيث يجعل رسالته...» و ایمان همراه با علم باعث رفعت مقام می‌داند. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله/۱۱) مدینه العلم یعنی وجود مبارک پیامبر اسلام (ص) در واپسین لحظات عمر مبارکشان عقل را اصل دین و علم را اسلحه آن دانسته است.

راستگوترین

یکی دیگر از «ترین» های قرآنی صدق و راستی است. در مبحث صداقت طبق فرموده‌ی خداوند هیچ کس صادق‌تر از خداوند نیست «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء/ ۸۷) هر چند این آیه دفع خطر احتمالی را عقلاً لازم دانسته و حتمی بودن معاد را اثبات می‌کند ولی پشتوانه این حتمیت را مستند به صادق بودن خداوند دانسته و روی صداقت الهی سرمایه گذاری می‌کند. ولی این صداقت در واقع گریز و تلنگری است به ما بندگان، که از باب تشبیه به اخلاق الهی صادق باشیم و صداقت را در همه رفتار و گفتار سرلوحه‌ی کارهای خود قرار دهیم و مزین به زینت صدق گردیم. صداقت حقیقی است که دانایان راه، گفته‌اند محصولش نجات در دنیا و عقبی است، قرآن مجید منفعت

نمی‌گردد احتیاج مبرم به هدایت ویژه دارد. «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلْمَ الَّذِينَ يَكُونُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/۱۶۵) قرآن به پیروان خویش تعلیم می‌دهد که همیشه و در همه حال استوارترین و محکم‌ترین راه هدایت را بجویند «ان هذا القرآن یهدی للئی هی اقوم...» (اسراء/ ۹) و این همان راهی است که فطرت و سازمان درونی، خداوند و نظام عمومی از انسان می‌طلبد و این مقصود این موجود ممتاز و مختار و عاقلی می‌باشد که باید پیش از تصمیم و عمل، تفکر کند، بسنجد و انتخاب نماید و این خلأ همیشه در بشرهست و ضرورتی حیاتی است، و هیچ مکتب، مدرسه و دانشگاهی جز قرآن رافع این نیاز حیاتی نیست. (۷) قرآن هدایت می‌کند به سوی دینی که اقوم از هر دین و مسلط‌تر بر اداره امور بشر است. اقوم را در نیکو انجام دادن هر کاری استعمال کرده‌اند و این دین در مقایسه با شرایط دیگر کامل تراست؛ زیرا تمامی معارف الهی تا آنجا که بنیه‌ی بشری طاقش را دارد و همچنین تمام شریعی را که بشر در زندگی بدان نیازمند است در این دین آمده و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است. (۸)

بنابراین جز قرآن، کتاب هدایتی که مورد قبول هر عقل سلیمی و هر انسان آزاد اندیشی قرار گیرد و حصار زمان و مکان را بشکند و تاریخ مصرفش جاودانه باشد، نیست.

رسالت پیامبر، جهانی و قرآن ابدی و جاودانی است از منظر علامه طباطبایی قرآن حجت ناطقی است از ناحیه‌ی خداوند که از روز نزولش تا قیام قیامت به نفع حق و علیه باطل احتجاج می‌کند (۸) به گفته ابوزر زمان؛ دنیا تشنه‌ی رهبری بحق، منطق قاطع، اصول محکم، فطری و عقلی است. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...» (نحل/۱۲۵) ما هم باید با پیروی از قرآن، راه، عقل و فطرت را برای هدایت جهانیان به کار ببندیم. راهی که در آن تحمیل نباشد و به نفع یک ملت و نژاد و سرزمین تمام نشود، باید بدانیم که با تفرقه و آویختن به تارهای اوهام به جایی نمی‌رسیم؛ چرا که «مصلحت دیدنی آن است که یاران همه کار، بگذارند و سرحلقه قرآن گیرند. (۷)

بهترین امت

یکی از نشانه‌های بهترین امت، امر به معروف و نهی از منکر است، این مهم ضامن سلامت و سعادت جامعه بوده و طبق فرموده امام باقر(ع) واجب بزرگی است، که بقیه واجبات به وسیله آن برپا می‌شود و تمام کارها به وسیله آن سامان می‌یابند. (۳) امر به معروف و نهی از منکر حق نظارت فرد بر اجتماع است که حقی طبیعی و ناشی از پیوند سرنوشت هاست. آنچه اهمیت این مسئله را مضاعف کرده این است که قرآن، امت اسلامی را به خاطر انجام این فریضه بهترین امت دانسته است. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تُنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ ۱۱۰) زمانی که این امتیاز بسیار مهم و حیاتی از آنها گرفته می‌شود، بدترین امت می‌گردند که این فریضه را ترک کنند. جایگاه خطیر امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر عمیق آن در احیای حیات جامعه بشری و اصلاح و زدودن آن از ناملایمات تا ابد، آنجاست که امیرمؤمنان (ع) همه‌ی کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا را در مقایسه با

است محکم به کسانی که می‌گویند: «قلب انسان با خدا باشد کافی است، عمل به دستورات او ضرورتی ندارد». محبت و تبعیت از خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او کاستی‌های محبان را می‌زداید و صفات کمالی در آنان ایجاد کرده است.

گام نخست برای رسیدن به چنین محبتی معرفت است و تقویت آن با تفکر در آفریده‌های الهی که بنا به فرموده صادق آل محمد(ص): «خردمندان کسانی هستند که در آفرینش جهان هستی و آفریده‌های خداوند می‌اندیشند تا از آن محبت خدا را به ارث ببرند». محبت حقیقتی است که در تمام مخلوقات ساری و جاری است. سرچشمه این عشق فطری، وابستگی و نیاز عمیق انسان به خداست. «از دیدگاه عارفان باید کانون احساسات عالی الهی را تقویت نمود و موانع رشد و شکوفایی آن را برداشت و قلب را تصفیه کرد و آنگاه با مرکب نیرومند و راهوار عشق به سوی خدا پرواز نمود». (۵) البته محبتی که قرآن دستور می‌دهد آن نیست که با هر کسی مطابق میلش عمل کنیم و او را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و تمایلات او را امضا کنیم و این محبت نیست بلکه نفاق است، محبت آن است که با حقیقت توأم باشد. (۶) محبت منطقی آن است که خیر و مصلحت جامعه در آن باشد. محبان واقعی الهی از خدا و جهان شناختی ویژه دارند، خدا را به تعبیر امام علی (ص) با همه چیز دیدن و جز او همه را هیچ دانستن و به تعبیر قرآن تنها او را غنی مطلق شمردن. «والله هو الغنی الحمید» و همه را جز او فقیر دیدن «انتم الفقراء لله». چنین نگرشی در زندگی محب، سبب می‌شود که تنها خود را و امدار خدا بدانند و حاجت پیش ارباب دنیا نبرد دوستدار واقعی خدا از نام و نان و هر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است. چنین بینشی است که فریاد خواجه اهل راز را بلند کرده است که؛

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

در بندگی آزاد بودن و بندگی به شرط مزد نکردن، خشیت از سر دانایی پیشه کردن. «انما یخشی الله من عباده العلماء». (۲۸/ فاطر) از بهشت یاد او بیرون نشدن «رجال لا تلهیهم...» (نور/۳۷) به یاد او پناه بردن و از یاد او دلی لرزان داشتن و خیال او را بر همه کس ترجیح دادن، همگی از جلوه‌های حُب حقیقی است.

استوارترین راه

هدایت موضوع هر علمی ممیز آن علم می‌باشد. موضوع هدایت در قرآن مورد توجه قرار گرفته و فلسفه نزول این کتاب آسمانی نیز هدایتگری بوده است. «ذلک کتاب لاریب فیه هدی للمتقین» چون بشر بیش از هر چیز دیگری احتیاج به هدایت دارد و این نیز از ضروریات حیاتی انسان می‌باشد. به دلیل اینکه انسان بر خلاف حیوانات دیگر که فقط دارای هدایت غریزی هستند. «والذی قدر و هدی» (اعلی/۳) نهال وجودیش صرف نظر از برخی جنبه‌های جسمانی به دست خودش رشد کرده است. در این مسیر نمی‌تواند غایت و نتیجه اعمالش را بررسی کند و چه بسا برای جلب منافع فردی و غریزی اش خسران را برای خود رقم بزند. «و یدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء/۱۱) و لذا چون عملش با دیگران ارتباط دارد و انعکاس عملش تنها به خودش بر

که خلف وعده می کند با خدا خلف وعده کرده پس به عهد خود با مردم وفا نماید» (۱۲)

پیامبر اسلام راستگویی، امانتداری و وفای به عهد را از معیارهای مهم تقرب خویش در قیامت قلمداد کرده است. وفای به عهد در زمره یکی از سه رکن مهم همه شوارح و مقررات است، با وجود اهمیت و احترامی که قرآن مجید برای وفای به عهد قائل می باشد در مواردی مجوز شکستن عهد را صادر نموده است و آن زمانی است که دشمنان پیمان شکنی کنند که در این موقع پیامبر (ص) و مسلمانان می توانند پیمان خود را نادیده بگیرند. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ...» (توبه/۷) و همچنین زمانی که حاکم اسلامی از خیانت دشمنان و نقشه های آنان بترسد می تواند پیمان را فسخ و عادلانه با آنان اعلام کند که پیمانشان لغو شده است. «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸)

بنابراین همانگونه که از آیات و روایات استفاده می شود مسأله وفای به عهد از مسائل مهم اساسی و ارزشی به شمار می رود که در دین مقدس اسلام مورد توجه قرار گرفته؛ زیرا اگر به این مسأله اساسی و ارزشی توجه نشود باعث سلب اعتماد شده زندگی مردم متلاشی خواهد شد و در نتیجه زیربنای روابط اجتماعی سست می شود. از این رو اسلام وفای به عهد را از حقوق بین المللی انسانی تلقی می کند که باید در باره تمام افراد بشر رعایت گردد.

بهترین ذخیره الهی

یکی دیگر از «ترین» های قرآنی وجود ذی جود قطب عالم امکان امام زمان عجل الله (عج) می باشد. آیات زیادی در قرآن حکیم وجود دارد که موضوع اولیهی آیه در زمان انبیاء گذشته بوده اما مصداقی از آن در زمان پیامبر (ص) محقق شده است. «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود/۷۴) که بیانگر لطف و رحمت بی پایان الهی بر ابراهیم (ع) و اهل بیت اوست که البته این رحمت الهی مخصوص آن زمان نبوده، بلکه در این خاندان همچنان ادامه داشته و دارد. چه بر کسی بالاتر از وجود پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام که از خاندان ابراهیم (ع) هستند و لذا نبی مکرم اسلام از خداوند درخواست کردند؛ آنچه را که در این آیه کریمه شامل حضرت ابراهیم (ع) شده به وی و خاندان معظم او عنایت کند. (۱۳) آیه شریفه «بقیه الله خیر لکم ان کتم مؤمنین» نیز از همین قبیل آیات است که به تعبیر قرطبی آنچه خداوند برای شما بعد از دادن حق دیگران باقی گذاشته است بهتر است. معنی بقیه الله عام است و شامل هر چیزی می شود که خداوند برای مردم باقی گذاشته است. (۱۴) و یکی از مهمترین و بهترین آنها شخصیتی است که خواهد آمد، و جامعه را پر از عدل و داد می کند و در برخی از کتب اهل سنت آمده که حضرت مهدی خودش را بقیه الله نامید و دیگران نیز به ولی عصر (عج)، بقیه الله می گفتند. امام صادق (ع) فرموده اند: «مهدی علیه السلام از اهل بیت است و خداوند او را با انداختن ترس و رعش در دل دشمنانش یاری می کند.» (۱۰)

امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره ای بر دریای پهناور می داند. (نهج البلاغه حکمت ۳۷۴) لازمه ایمان حقیقی داشتن رابطه دوستی با دیگر مؤمنان و دغدغه سرنوشت آنها و لازمه ای علاقه به دیگران ارشاد به خوبی ها و انتقاد از بدی ها است و لازمه ارشاد به معروف و انتقاد از منکر و برپایی نماز و توسعه معنویت و فرمانبرداری از خدا و همچنین دستگیری از مستمندان و بالاخره لازمه همه ای این امور نزول رحمت های بی پایان الهی است که همه از ثمرات شجره طیبه تنومندی به نام امر به معروف و نهی از منکر است که از آیه شریفه ۷۱ توبه استنباط می گردد. (۹)

امر به معروف و نهی از منکر بهترین و زیباترین نشانه اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان و احساس مسئولیت در برابر حقیقت است، تا آنجا که این فریضه بزرگ در ادیان دیگر نیز مورد توجه عالمان و حکیمان دوران خود بوده است. لقمان حکیم به فرزندش توصیه می کند که: (یابنی اقم الصلاة) و نبی مکرم اسلام نیز بهترین مردم را کسی می داند که از همه بیشتر امر معروف و نهی از منکر کرده است و خدا را نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، یعنی نهی از منکر نمی کند خشمگین و دشمن دانسته است. (۱۰) امام علی (ع) دلیل اصلی پذیرش خلافت پس از قتل عثمان را امر به معروف و نهی از منکر می داند و در واپسین لحظات عمر مبارکش نتیجه عقوبت ترک امر به معروف و نهی از منکر را سلطه اشرا و عدم استجاب دعا می داند. (نهج البلاغه نامه ۴۷) فلسفه اصلی قیام امام حسین (ع) نیز احیای این واجب بزرگ بوده است.

وفادارترین به عهد

در اهمیت وفای به عهد و پیمان همین بس که خدای متعال آنگاه که می خواهد از حضرت اسماعیل (ع) به عظمت نام ببرد وفای به عهد را به عنوان یکی از اوصاف برجسته او یادآور می شود و می فرماید: «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم/۵۴)

قرار گرفتن وفای به عهد قبل از مقام نبوت بیانگر آن است که پایه و اساس نبوت، صدق وعده است. (۱۱) برای آگاهی از موقعیت پیمان در قرآن باید دانست که لفظ عهد با تمام مشتقاتش ۴۵ بار در قرآن ذکر شده و خداوند به صورتهای مختلف در خصوص عهد سخن گفته و خود را وفادارترین به وعده ها می داند. «...وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ...» (توبه/۱۱۱) و پیمان شکنان را به شدت لعنت کرده است. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد/۲۵) و لزوم رعایت عهد و پیمان را حتی با دشمنان نیز تا زمانی که آنها پیمان شکنی نکنند توصیه می کند. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ...» (توبه/۷) و به همگان امر می کند که به عهد و پیمان خود وفادار باشید. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ...» (نحل/۹۲)

با توجه به جایگاه عهد در اسلام است که امام صادق (ع) با توجه به آیه «کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون» (الصف/۳) می فرماید: «وعده مؤمن به برادرش به منزله نذری است که کفار ندارد کسی

وازیبش لازم بهره‌مند گردیده و بدون دخالت هواهای نفسانی حقایق را بپذیرند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ». (انفال/ ۲۹) ۲- توجه به وسعت علم الهی و احاطه علمی خداوند بر تمام هستی و نقش بازدارندگی علم حقیقی در تمایلات نفسانی و تقلید کورکورانه و پیروی از گمان در حیات انسانی «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء/ ۳۶) و به همین علت است که در متون اسلامی در کنار دعوت به علم نافع، بر پارسایی و تعلیم و تزکیه تأکید می‌شود و حاصل چنین تفکری است که آدمی را در زندگی دنیوی از بند اسارت شیاطین درونی و بیرونی آزاد می‌کند. «اتقوا الله و يعلمکم الله...» (بقره/ ۲۸۲)

۳- توصیه بر صدق در همه حال، در گفتار و رفتار به عنوان پایه و اساس بسیاری از ارزش‌ها و عامل فلاح و نجات حیات فردی و اجتماعی و همراهی و همنشینی با صادقان به عنوان نخستین نشانه کمال مسلمانی و نقش صداقت برای بهره‌مندی از بهترین تجارت در قیامت «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ...» (مائده/ ۱۱۹)

۴- دعوت به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه همگانی و نظارت عمومی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها و نسبت به همه افراد قابل اجرا بوده و بهترین نشانه اهتمام به امور مردم و ضامن سلامت و سعادت جامعه بوده و باعث حاکمیت و تقویت مؤمنان و تضعیف منافقان و برقراری عدل می‌گردد.

۵- توجه به نقش محبت به خدا و پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت علیهم السلام در زدودن کاستی‌های محبان واقعی، و ایجاد صفات کمالی در زندگی آنها بسان آکسیری که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به آنها عطا می‌کند، زیرا که سرچشمه این محبت و عشق فطری وابستگی و نیاز عمیق انسانها به خداست و بر همین اساس باید کانون احساسات عالی الهی را تقویت کرده و موانع رشد و شکوفایی را برداریم که شرط اصلی آن اطاعت و تبعیت از پیامبر (ص) و عترت طاهره ایشان است. «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» (آل عمران/ ۳۱)

۶- توصیه مؤکد بر وفای به عهد به عنوان یک اصل فطری که موجب تقویت روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شده و امنیت و ثبات جامعه را تضمین کرده و نهی و نکوهش از پیمان شکنی که ضربه شکننده‌ای بر پیکر و هویت فرد و اجتماع وارد می‌کند.

۷- توجه ویژه به وجود قطب عالم امکان به عنوان بقیه الله عجل الله تعالی فرجه همان شخصیت مفید و مبارکی که ذخیره‌ای برای بشریت است و آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی بعد از قیام پیامبر اسلام بوده و از همه به این لقب شایسته‌ترند؛ زیرا تنها باقی مانده پیامبران و امامان‌اند و دوران حکومتش دوران حاکمیت مطلق دین الهی و عبودیت خالصانه پروردگار و سند محکم و وعده حتمی و تخلف ناپذیر الهی در اثبات حقانیت محمد (ص) است. «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (توبه/ ۳۳)

علامه بزرگوار عبدالهادی آبیاری از امام باقر (ع) حدیثی نقل کرده که وقتی امام عصر (عج) شریف ظهور می‌کند به خانه خدا تکیه داده و ندای «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سر می‌دهد در حالیکه ۳۱۳ نفر از فرماندهانش گرد او جمع شده‌اند. سپس می‌فرماید «من بقیه الله هستم و خلیفه خدا و حجت الهی بر شما».

دوران ظهور حضرت مهدی (عج) دوران حاکمیت مطلق دین الهی و پرستش خالصانه پروردگار است، و چنین جامعه‌ای با چنین حکومتی از آدم (ع) تا خاتم (ص) و از خلقت انسان تا اشرف پیغمبران و حتی روزگاران ما تشکیل نشده و خداوند به مؤمنین نیکوکار وعده داده تا جامعه‌ای پدید آورد که به تمام معنا صالح بوده و مبرای از کفر و فسق و نفاق باشد و در کمال امنیت زندگی کنند و چنین وعده حتمی قطعی تخلف ناپذیری در روزگار ظهور حضرت مهدی محقق می‌گردد. (نور/ ۵۵) طبق روایات اهل بیت و با توجه به آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء، حکومت مهدوی، یکی از بزرگترین مصادیق برکات و نعمات دنیوی است. هر چه هست به برکت نعمت ذخیره عظیمی به نام بقیه الله است که هر چند آیات قرآن در مورد خاصی نازل شده باشند، ولی مفاهیم جامه‌ای دارد و می‌تواند در قرن‌های بعدی بر مصادیق دیگری تطبیق یابند، درست است که مخاطب آیه قوم شعیب هستند و منظور از بقیه الله سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است ولی هر موجود مفیدی که از طرف خداوند برای بشر باقی بماند و مایه خیر و سعادت او گردد بقیه الله محسوب می‌شود و از این منظر تمام اولیاء الهی بقیه الله هستند؛ ولی یکی از روشن‌ترین مصادیق بقیه الله حضرت مهدی موعود (عج) می‌باشد؛ چرا که آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام هستند و از همه اولیاء الهی به این لقب مبارک شایسته‌ترند زیرا تنها باقی مانده پیامبران و امامان‌اند.

نتیجه‌گیری

انسان یک موجود اجتماعی است و رشد کمال او نیز در گرو همین حیات جمعی است و در این خصوص قرآن که کتاب زندگی است، رسالتش هدایت و پرورش اخلاقی مردم و تزکیه و تهذیب جان‌های آنها و هدایت به صراط اقوام است، راهکارها و نقشه راهی برای اتصاف به فضایل و پرهیز از رذایل جهت داشتن سبک زندگی ایده‌آل ارائه داده است تا افراد جامعه با اعمال آنها زندگی آرام و دلنشینی داشته باشند و در این راستا (ترین) های قرآنی هر مطلبی را که متذکر می‌شود در راه صلاح و سداد زندگی فردی و اجتماعی است و حکمت و مقصودی دارد تا خودمان و دیگران را در زندگی به سوی کمال پیش ببریم و از خودخواهی و خود بینی برهانیم و باید دانست که راز پیروزی سریع مسلمانان بر سایر ملت‌ها در صدر اسلام انتخاب سبک زندگی بر اساس آموزه‌ها و تعلیم حیات بخش قرآن کریم و اتخاذ هدایت‌های الهی بود چرا که قرآن با فطرت و واقعیت زندگی بشرهماهنگ و منطبق بر قوانین آفرینش است که نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل است:

۱- تأکید بر تقوا به عنوان بهترین توشه و پوشش و تنها عامل فضیلت انسانها، زیرا ثمره تقوا بهره‌مندی از فرقان و تشخیص حق از باطل است و باعث می‌شود که انسان‌ها به پاکی نخستین خود بازگشته

References

- The Holy Quran

- Nahj al-Balaghah

1- Mahdavi Kani, Mohammad Saeed. (1387). The concept of "lifestyle" and its scope in social sciences, Spring 2008, Volume 1, Number 1 (consecutive 1); From page 199 to page 230.

2- Klini, Muhammad ibn Ya'qub al-Kafi (1365). Volume 5, Tehran, Islamic Library.

3- Makarem Shirazi, Nasser. (2006). In collaboration with a group of scholars and scholars, Ethics in the Quran, third edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications.

4- Naraghi Ahmad (1384). Meraj Al-Saadat, first edition, Qom, Ghaem Al-Mohammad Publications.

5- Tabatabai, Mohammad Hussein (1362). Principles of Philosophy and Method of Realism, Introduction and Footnote by Motahhari Morteza, Tehran, Sadra.

6- Motahari, Morteza (1379). Gravity and repulsion, 36th edition, Tehran, Sadra.

7- Taleghani, Mahmoud, Bita, Guidance in the Quran, Tehran, Seyed Jamal Publications.

8- Mousavi Hamedani, Mohammad Baqer (1374). Translation of Tafsir Al-Mizan, Volume 13, Qom, Islamic Publications Office.

9- Motahari, Morteza (1369). Ten Speeches, sixth edition, Tehran, Sadra.

10- Har Ameli, Muhammad bin Hassan. (1049). Shiite means, Bita, Qom, Al-Bayt Publications.

11- Mahdavi Kani, Mohammad Reza (1388). Starting points in practical ethics, 24th edition, Tehran, Islamic Culture Publishing Office.

12- Tabarsi, Hassan Ibn Fadl (1372). Majma 'al-Bayan fi Tafsir Quran, third edition, Tehran, Nasser Khosrow Publications.

13- Makarem Shirazi, Nasser. (2010). In collaboration with a group of scholars and scholars, the Wise Quran and the explanation of selected verses, Qom, Aswa Publications.

14- Shokani, Muhammad ibn Ali ibn Muhammad ibn Abdullah. (1387). Nil Al-Atwar, Tehran, Tebyan Cultural Institute.